

ارتباط معماری و نقاشی در مصر باستان با جهان بینی آنها

مهدا فروغی

کارشناس ارشد معماری منظر. دانشگاه تهران

mahda_foroughi@yahoo.com

چکیده

مصر باستان، از اولین تمدن‌های بزرگ بشری است که آثار باستانی و نقاشی‌های فراوانی از آن بجای مانده است. معماری مصر باستان دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بوده که برجسته‌ترین آن‌ها، وجود مقابر و معابد عظیم سنگی و به دور از شهرها است؛ در حالی که از شهرها و کاخ‌های آن‌ها، بدلیل استفاده از مصالح کم‌دوام، بجز چند مورد محدود که به شدت ویران شده‌اند، اثری باقی نمانده است. این روند در تمام دوره‌های تاریخی معماری مصر باستان دیده می‌شود.

هدف از این مقاله، پیدا کردن ارتباط بین ویژگی‌های بارز معماری و هنر مصر باستان و جهان بینی مردم این سرزمین است. در این مقاله که به روش کیفی انجام شده، ابتدا به کمک روش مطالعه کتابخانه‌ای، به گردآوری اطلاعات مربوط به مفاهیم زمان، مرگ و دین در مصر باستان، جهت فهم جهان بینی آن‌ها، پرداخته شده است، سپس به کمک داده‌های بدست آمده و مشاهده آثار معماری و نقاشی، به تحلیل ارتباط میان این آثار و جهان بینی مردم این سرزمین پرداخته شده است.

دو دیدگاه اصلی در جهان بینی مصریان باستان شامل نگاه مادی به این جهان و جهان پس از مرگ و همچنین اعتقاد به برتری و جاودانگی جهان پس از مرگ نسبت به این جهان وجود دارد که نحوه ارتباط این دو تفکر با هنر نقاشی و معماری این سرزمین بررسی و تحلیل شد.

واژگان کلیدی

مصر، معماری، جهان بینی، زندگی پس از مرگ.

مقدمه

آفتاب، بوده‌است. معماری دارای عناصر و ویژگی‌های بارزی است که برجسته‌ترین آن‌ها وجود مقابر و معابد عظیم سنگی و به دور از شهرها است در حالی که از شهرها و کاخ‌های آنان به دلیل استفاده از مصالح کم‌دوام، بجز چند مورد محدود، اثری باقی نمانده‌است. این روند در تمام ادوار تاریخی سه‌گانه معماری مصر باستان به شکل‌های متعددی دیده می‌شود؛ چه در معماری اهرام که از فرم کوه‌های با صلابت مصر الهام گرفته شده و چه در مقابر صخره‌ای که کوه‌ها را تراشیده‌اند و همچنین در معابد دوره جدید که اغلب در کنار کوه‌ها بوده و ابعادی فرا انسانی دارند. هدف از این مقاله، پیدا کردن ارتباط بین ویژگی‌های بارز معماری و هنر مصر باستان و جهان‌بینی مردم این سرزمین است. به همین منظور، ابتدا به بررسی جهان‌بینی از طریق فهم نگاه آن‌ها به زمان، مرگ و دین پرداخته، سپس به بررسی معماری، نقاشی و در نهایت به تحلیل ارتباط این هنرها با جهان‌بینی مردم این سرزمین پرداخته می‌شود. سوالات تحقیق به شرح زیر است:

- آیا بین جهان‌بینی مصریان باستان و معماری و نقاشی آن‌ها ارتباطی وجود دارد؟
- چه شاخصه‌هایی از جهان‌بینی مردم بر معماری و نقاشی مردم این سرزمین موثر بوده‌است؟

مصر باستان که از کهن‌ترین تمدن‌های بزرگ انسانی است، در گوشه شمال شرقی آفریقا و در مرکز مسیر تجاری بین کشورهای آفریقای مرکزی و مدیترانه‌ای واقع شده‌است. این سرزمین در جوار رود نیل، از غرب و شرق توسط کویر محاصره شده‌است و از شمال به دریای مدیترانه و از جنوب به سرچشمه رود نیل در شهر آسوان^۱ می‌رسد. هروقت، مورخ مشهور یونانی در مورد مصری‌ها می‌گوید، آنان بیشتر از هر قوم دیگری مذهبی هستند (زارعی، ۱۳۸۸: ۳۶). همچنین نسبت به سایر تمدن‌های کهن، بیشترین توجه را به زندگی پس از مرگ دارند (Watts and Girsh, 1998: 27). بطور کلی نگاه مردم مصر به زندگی در این جهان، برای ادامه زندگی و دستیابی به سعادت در مرحله دوم زندگی، یعنی زندگی پس از مرگ بوده‌است و هنر ایشان نیز، براساس این نحوه نگرش به زندگی پایه‌ریزی شده‌بود (گاردنر، ۱۳۷۰: ۷۲). معماری مصر باستان به لحاظ تاریخی دارای سه دوره کلی شامل معماری پادشاهی کهن (۲۶۴۹ تا ۲۱۵۰ قبل از میلاد)، معماری پادشاهی میانه (۲۰۳۰ تا ۱۶۴۰ قبل از میلاد) و معماری پادشاهی جدید (۱۶۵۰ تا ۱۰۶۹ قبل از میلاد) بوده‌است. مصطبه‌ها و اهرام، مقابر صخره‌ای و معابد باشکوه، به ترتیب، برجسته‌ترین آثار معماری دوره‌های کهن، میانه و جدید مصر باستان است. مصالح مورد استفاده در بناهای مصر باستان، سنگ و آجر، گل پخته شده در نور

فرضیه

دو ویژگی بارز در جهان‌بینی مصریان منجر به شکل‌گیری مقابر و معابد عظیم سنگی، با فاصله از کاخ‌ها و شهرهای آجری در این سرزمین شده‌است. این ویژگی‌ها شامل نگاه مادی به این جهان و جهان پس از مرگ و همچنین برتری و جاودانگی جهان پس از مرگ نسبت به این جهان است.

پیشینه تحقیق و مبانی نظری

با توجه به کمبود اطلاعات در زمینه معماری و فرهنگ مصر باستان به زبان فارسی و همچنین نبود منابع کافی در زمینه جهان‌بینی آنان به زبان لاتین، منابع لاتینی که در این مقاله، بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌است، آثار یکی از مطرح‌ترین مصرشناسان و استاد دانشگاه هیدلبرگ^۲ در آلمان پروفیسور «آسمان» است. وی از معدود افرادی است که به مسئله جهان‌بینی مردم مصر باستان پرداخته‌است. در ادامه به بررسی جهان‌بینی مردم مصر درباره موضوعات زمان، مرگ و دین پرداخته شده و در خاتمه نکات شاخص در جهان‌بینی مردم این سرزمین تبیین شده‌است.

مفهوم زمان در مصر باستان

نگاه مصریان باستان به زمان، بسیار متفاوت از نگاه انسان مدرن است. تصور آنان از زمان به دو شکل است که گاهی این دو با هم همپوشانی دارند، یکی را **نِپِه**^۳ و دیگری را **دِجِت**^۴ می‌نامیدند. در زبان فارسی کلماتی نداریم که به مفهوم این دو نزدیک باشند، بنابراین در پاراگراف‌های بعد به شرح مفهوم هر یک پرداخته خواهد شد.

• نِپِه

نِپِه، نوعی زمان در چرخه و گردش است که از نظم طبیعت الهام گرفته و بارزترین نمود آن، چرخش زمین به دور خورشید است. مصریان باستان، خورشید را خدای **رَع**^۵، تصور می‌کرده‌اند که هر روز بر کشتی خود به دور آسمان سفر می‌کند و هنگام غروب، می‌میرد و به جهان زیرزمین می‌رود و در طلوع روز بعد دوباره زاده می‌شود (Wilson, 1946). برای مصریان باستان، این داستان فراتر از یک استعاره و فرآیندی بوده که **رَع**، هر روز متحمل می‌شده‌است. از دیدگاه آن‌ها، این نو شدن برای هر چیزی که مرده یا مریض شده اتفاق می‌افتد. حتی مرگ، یک لحظه از فرآیند بزرگتری است

چنانکه در تصویر ۱ دیده می‌شود، برای قضاوت انسان‌ها، قلب آن‌ها وزن می‌شود و اگر از یک پر سبک‌تر باشد، در جهان پس از مرگ ابدی می‌شوند و اگر چنین نباشد، نابود می‌شوند (در این تصویر، از پیریس بر تخت پادشاهی، در سمت راست تصویر نشسته است و آنوبیس در حال اندازه‌گیری وزن قلب انسان مرده است).



تصویر ۱. زندگی پس از مرگ و قضاوت مردگان توسط از پیریس.
مأخذ: <http://www.crystalinks.com/egyptart.html>

زندگی پس از مرگ در ادامه زندگی همین دنیا دیده می‌شود و مردم به ادامه کارهایشان در این دنیا می‌پردازند. چنانکه در مقابر تصاویر زندگی روزمره مردم نشان داده می‌شود (تصویر ۲). بنابراین برای مردم مصر باستان، همه چیز، حالتی مادی دارد و چیزی خارج از آن را متصور نمی‌شده است و تنها تفاوت زندگی قبل از مرگ و زندگی پس از مرگ، زمان در گردش نیه در دنیای پیش از مرگ و زمان جاودان دجت در دنیای پس از مرگ است.



تصویر ۲. نمایش زندگی روزمره، مردم در حال کشاورزی.
مأخذ: Marie & Hagen, 1999:171

و هر چیزی که مرده است، مثل خورشید دوباره هنگام طلوع، به زندگی باز می‌گردد. البته هنگام بازگشت به زندگی مجدد، لزوماً به شکل مشخص سابق خود نیست ولی هویت و اصالت آن چیز حفظ می‌شود و قابل تشخیص است (Assmann, 2002: 18).

• دجت

برخلاف تغییر ابدی نیه، دجت هیچگاه در حرکت، نه به شکل خطی، نه چرخشی و نه هیچ نوع دیگری از آن نیست. دجت، کمال و مقصد جاودان بدست آمده به کمک تکاملی است که در چرخه نیه انجام شده است (Ibid: 18, 19, 243). بارزترین نمود دجت، مرگ و زندگی پس از مرگ است. خدای خدایان در جهان پس از مرگ، از پیریس^۶ است که او را خدای بالغ و کامل جاودان توصیف کرده‌اند (Wilkinson, 2003). نیه، زمان روی زمین با فرمان‌روایی رع و دجت، زمان زیرزمین با فرمان‌روایی از پیریس است. باید به این نکته تأکید شود که دجت، چیزی است که در گذشته کامل شده‌است و در زمان حال ادامه می‌یابد (Assmann, 2001). بدین ترتیب، زمان دجت، نه خطی است و نه چیزی است که تمام شده‌باشد و از دست رفته‌باشد. تأثیر اعتقاد به زمان دجت بر مراسم تشییع جنازه و تدفین در مصر باستان، آشکار است. برای مثال، از اهداف ساخت اهرام و سایر انواع معماری یادمانی افراد متوفی، جاودان بودن آن‌ها در زمان دجت بوده‌است. به‌طور مشابه، هدف از مومیایی کردن افراد متوفی، حفظ جسد آن‌ها برای زمان جاودان دجت در دنیای پس از مرگ است.

• ملاقات نیه و دجت

در شب، رع، از جهان پس از مرگ می‌گذرد و زمانی که آنجا است، رع و از پیریس، یکی می‌شوند. همچنین، دجت و نیه، تا قبل از سپیده دم با یکدیگر ملاقات می‌کنند و با هم همپوشانی دارند. در زمان دجت، رع که مرده از زمان نیه بیرون می‌آید تا بهبود یابد و مثل از پیریس ابدی شود. بدین ترتیب، رع در شکل سابق خود، در هنگام طلوع خورشید دوباره متولد می‌شود. نیه و دجت، تمامیت جهان زمان محور^۷ مصر باستان را در برمی‌گیرند (Ibid: 73). رع و از پیریس، خدای آسمان و زمین نیز از زمان بوجود آمدنشان، مانند دجت و نیه، به یکدیگر وابسته بوده‌اند.

مفهوم مرگ در مصر باستان

چنانکه در بخش قبل نیز مشخص شد مردم مصر باستان برای جهان قبل از مرگ، زمان نیه و برای جهان پس از مرگ، زمان دجت را در نظر می‌گیرند و معتقدند انسان در جهان قبل از مرگ در چرخه زندگی است تا کامل شود و به جهان پس از مرگ و زمان ابدی دجت برود. بنابراین، آن‌ها این جهان را فانی و جهان پس از مرگ را ابدی می‌دانند. خدای خدایان در جهان پس از مرگ از پیریس است که در زمان پس از مرگ، انسان‌ها توسط وی قضاوت می‌شوند (Holland, 2009; Assmann, 2002: 47).



تصویر ۳. لوح یادبود آخناتن و خانواده سلطنتی در حال پرستش آتن، قرص خورشید. مأخذ: Marie & Hagen, 1999:121

فهم این نیروها برای آن‌ها قابل درک می‌شده‌است. برای مثال آمدن سیل‌های سالیانه را آمدن خدای همی تصویر می‌کرده‌اند و چنین می‌پنداشته‌اند که او با کوزه‌ای از بالا به داخل رود نیل آب می‌ریزد (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۶۶). آن‌ها با پرستش این خدایان و گرفتن جشن‌های مذهبی برای آن‌ها، به طریقی با این نیروهای طبیعت ارتباط برقرار کرده و احساس امنیت بیشتری می‌کرده‌اند.

جهان‌بینی مردم مصر باستان

دو نکته در نگاه مردم مصر باستان به زمان، مرگ و دین بارز است: نکته اول، نگاه مادی آن‌ها به این دنیا و دنیای پس از مرگ است. تعبیر آن‌ها از تمام پدیده‌ها و اتفاقات جهان با رویکردی مادی بوده‌است.

نکته دوم، برتری دنیای پس از مرگ نسبت به این دنیا به دلیل جاودانگی آن است. چنانچه گفته شد آن‌ها زندگی در چرخه این دنیا را برای رسیدن به کمال و جاودانگی در دنیای پس از مرگ می‌دانستند.

روش تحقیق

در این مقاله که به روش کیفی انجام شده‌است، ابتدا به کمک روش مطالعه کتابخانه‌ای، به گردآوری اطلاعات مربوط به مفاهیم زمان، مرگ و دین در مصر باستان، جهت فهم جهان‌بینی آن‌ها، پرداخته شد. سپس به کمک داده‌های بدست‌آمده و مشاهده آثار

مفهوم دین در مصر باستان

مردم مصر باستان مشابه مردم سایر تمدن‌های کهن، بسیار طبیعت‌گرا بوده‌اند. آن‌ها برای هر نیروی منظمی در طبیعت، خدا یا خدایانویی در نظر می‌گرفتند. خورشید، رود نیل، هوا، خاک و سایر نیروهای طبیعی موثر بر زندگی مردم مصر باستان، ظهور و نمود خدایان بوده‌است. البته تنها نیروهایی که در ریتم منظم جهان، پایدار می‌ماندند و از آن حمایت می‌کردند، مقدس و الهی محسوب می‌شدند (Assmann, 2008). در نظر مردم مصر باستان، هیچ چیزی نمی‌تواند به صورت تصادفی و بدون دخالت تعدادی از این نیروها انجام شود. بنابراین اتفاقاتی مثل طلوع خورشید که برای انسان مدرن طبیعی و قابل انتظار است، برای مردم مصر باستان، جشن تولد مجدد رَع تلقی می‌شده‌است. آن‌ها معتقد بودند که اگر خدایان جهان را کاملاً ترک کنند، ساختارهای بنیادین جهان به چَسُّس^۱ سقوط کرده و هرچه مربوط به این ساختار است، محو و نابود می‌شود (Assmann, 2002). این نظر «خداشناسی کیهانی»^۲ نامیده شده است، تفکری که جهان، در مرکز آن و اجماع ظهور خدایان متعدد است. اتفاقات منظم جهان شامل حرکت زمین به دور خورشید، چرخش روز و شب و سیلاب‌های سالیانه رود نیل، برای افسانه‌های مربوط به خدایان و رفتار آن‌ها، به صورت قانون درآمد بود. از دیدگاه مردم مصر باستان، کل جهان، به عنوان یک واحد و یک فرم در نظر گرفته نمی‌شد بلکه به عنوان کثرت، عمل و عکس‌العمل‌های متقابل و مفصل مشترک تلاش‌های خدایان متعدد، به عنوان نمایشی که همه خدایان کم و زیاد، بسته به میزان قدرتش، در آن نقش بازی می‌کنند، دیده می‌شد. اگرچه مردم مصر باستان در تمام ادوار تاریخی خود، خدایان متعددی را می‌پرستیدند اما در زمان پادشاهی آخناتن^۱، وی تلاش کرد مردم مصر را یکتاپرست کند. وی اسم خود را از آمونفیس چهارم^{۱۱} که نشانه قدرت خدای آمون بود به آخناتن، تغییر داد و به پرستش خدای یگانه، آتن، گروید (Wilkinson, 2003). به دستور وی معابد همه خدایان به جز خدای آتن، نابود شدند. با وجود تمام تلاش‌های آخناتن، پس از مرگ وی، مردم مصر باستان دوباره به پرستش خدایان متعدد ادامه دادند و این نشان از نهادینه‌بودن چنین تفکری در میان مردم مصر باستان است (Assmann, 2002)؛ (تصویر ۳).

باتوجه به آنچه گفته شد مشخص می‌شود که مردم مصر باستان به عینیت‌بخشی به تمام پدیده‌ها گرایش داشته‌اند. این مردم به ویژه به عینیت بخشیدن و دلیل آوردن برای تمام نیروهای طبیعت که در زندگی آن‌ها مؤثر و دارای ریتم طبیعی است، تمایل داشته‌اند؛ چراکه از یکسو دلیل نظم طبیعت و نیروهای آن برای مردم مصر باستان، راز بوده و از سوی دیگر، زندگی آن‌ها به این نیروها وابسته بوده‌است و مردم قدرتی در کنترل آن‌ها نداشته‌اند. بدین ترتیب با تجسم نیروهای طبیعی بصورت خدایان متعدد،

۳. معابد و مقابر مصر باستان در فاصله دورتری از رود نیل نسبت به شهرها ساخته می‌شدند تا در معرض سیلاب‌های سالیانه رود نیل قرار نگیرند. بدین ترتیب، معابد و مقابر با فاصله از شهرها ساخته می‌شدند.

۴. معماری مصر، معماری جرمی است و توجه آن‌ها بیشتر به فرم و جرم معطوف بوده است تا به فضا سازی. این چهار نکته در تمام ادوار تاریخی سه‌گانه معماری مصر باستان تداوم داشته‌است.

هنر نقاشی مصر باستان

با توجه به اهمیت هنر نقاشی به‌عنوان عنصر تزئینی برجسته در معماری مصر باستان، که حامل جهان‌بینی مردم این سرزمین است، در این قسمت از مقاله به بررسی نکات شاخص و قابل توجه در هنر نقاشی مصر باستان پرداخته می‌شود. هنر نقاشی این سرزمین، اغلب بر دیوارهای مقابر و معابد ترسیم شده‌است و این مسئله، نشان‌دهنده اهمیت هنر نقاشی و تقدس آن، نزد مصریان باستان است. همچنین باید به این نکته توجه داشت که انسان‌های معدودی و در زمان‌های محدودی از سال به این فضاها می‌رفتند. بنابراین، این نقاشی‌ها، تنها نقش تزئینی نداشته‌است و به نظر می‌رسد با ترسیم آن‌ها، حضور خدایان و اسطوره‌ها را تجسم کرده و عینیت می‌بخشید. به طور کلی، نقاشی‌های مصر باستان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. نقاشی‌هایی که زندگی روزمره مردم، دامداری، کشاورزی و برداشت محصول را به تصویر می‌کشد.

۲. نقاشی‌هایی که خدایان و افسانه‌های مربوط به آن‌ها را به تصویر می‌کشد.

گروه اول در هنر نقاشی مصر باستان، دارای عناصری واقعی است و معمولاً اثری از هنر سمبلیک در آن‌ها دیده نمی‌شود. ولی گروه دوم، دارای عناصر غیرواقعی زیادی است. چنانکه در تصویر ۱ مشخص است، موجودات ترکیبی از انسان و حیوان با رنگ‌هایی غیرواقعی دیده می‌شود. اغلب عناصر این نقاشی‌ها شامل رنگ و شمایل موجودات دارای مفاهیم سمبلیک است. رایج‌ترین نقاشی‌هایی که در زمره گروه اول است، تصاویر زندگی روزمره انسان‌هاست که بر دیوار مقابر کشیده شده‌است. این تصاویر نشان‌دهنده مادی بودن زندگی پس از مرگ و ادامه زندگی روزمره این دنیا در دنیای پس از مرگ، از دید مردم مصر باستان است. ترسیم تصاویر سمبلیک از خدایان نیز نشان از حضور آن‌ها در این دنیا و دنیای پس از مرگ و کنترل آن‌ها بر دو جهان است. با وجود تغییراتی در نقاشی‌های ترسیم شده در ادوار تاریخی سه‌گانه مصر باستان، همواره حضور این دو گروه در این آثار دیده می‌شود. بیشترین تفاوت این آثار در طول تاریخ در برجسته‌تر یا کمرنگ‌تر شدن حضور یک خدا، بسته به اهمیت آن خدا در زمان ساخت و نقاشی مقبره، در این نقاشی‌ها بوده‌است.

معماری و نقاشی مصر باستان، ویژگی‌های بارز این آثار شناخته شد و در نهایت، به تحلیل ارتباط میان آثار نقاشی و معماری مصر باستان با جهان‌بینی مردم این سرزمین پرداخته شده‌است.

بحث

در این بخش ابتدا به بررسی معماری و نقاشی مصر باستان پرداخته و سپس به بررسی ارتباط داده‌های بدست آمده در بخش پیش در مورد جهان‌بینی مردم مصر باستان با آثار نقاشی و معماری آن‌ها پرداخته می‌شود.

معماری مصر باستان

معماری مصر باستان از لحاظ تاریخی دارای سه دوره کلی شامل معماری پادشاهی کهن (۲۶۸۶ تا ۲۱۸۱ قبل از میلاد)، معماری پادشاهی میانه (۲۱۸۱ تا ۱۶۵۰ قبل از میلاد) و معماری پادشاهی جدید (۱۶۵۰ تا ۱۰۶۹ قبل از میلاد) بوده‌است. مصطبه‌ها و اهرام، مقابر صخره‌ای و معابد باشکوه، به ترتیب، برجسته‌ترین آثار معماری دوره‌های کهن، میانه و جدید مصر باستان هستند. مصالح مورد استفاده در بناهای مصر باستان، سنگ و آجر بوده‌است. خانه‌ها و قصرهای اشراف از مصالح کم دوام شامل آجر و گل و مقابر و معابد از مصالح بادوام شامل سنگ آهک، سنگ گرانیت و سنگ شنی ساخته می‌شدند. همچنین شهرهای مصر باستان نسبت به معابد و مقابر به رود نیل نزدیکتر بوده‌است به همین جهت در معرض سیل‌های سالیانه رود نیل قرار گرفته و امروزه جز موارد محدودی، چیزی از آن‌ها باقی نمانده‌است. از سوی دیگر مقابر و معابد مصر، اگرچه معماری پیچیده‌ای ندارند ولی جسیم و باشکوه هستند. این روند در تمام ادوار تاریخی سه‌گانه معماری مصر باستان به شکل‌های متعددی دیده می‌شود؛ چه در معماری اهرام که از فرم کوه‌های باصلابت مصر الهام گرفته شده و چه در مقابر صخره‌ای که کوه‌ها را تراشیده‌اند و همچنین در معابد دوره جدید مصر باستان که اغلب در کنار کوه‌ها بوده و دارای ابعادی فرا انسانی بوده‌است. به طور نمونه، هرم خوفو در مصر، دارای قاعده‌ای به طول ۲۲۷ متر، یال‌هایی به طول ۲۱۷ متر و ارتفاع کنونی آن ۱۳۸ متر است. همچنین قاعده آن بیش از ۵ هکتار زمین را در بر گرفته‌است (زارعی، ۱۳۸۸: ۳۹). مجسمه ابوالهول در سایت جیزه در مصر، نیز از لحاظ ابعاد و اندازه، در پیکره‌تراشی جهان باستان بی‌نظیر است. چنانکه گفته شد، چهار ویژگی بارز آثار معماری مصر باستان به شرح زیر است:

۱. اندازه و ابعاد عظیم مقابر و معابد مصر باستان و همچنین استفاده از مصالح سنگی بادوام در آن‌ها که نشان‌دهنده انگیزه و دلیل محکمی برای ساخت آن‌ها به چنین شکل جاودانی است.

۲. وجود مقابر و معابد عظیم با مصالح سنگی برخلاف کاخ‌هایی با مقیاس انسانی و مصالح با دوام کم.

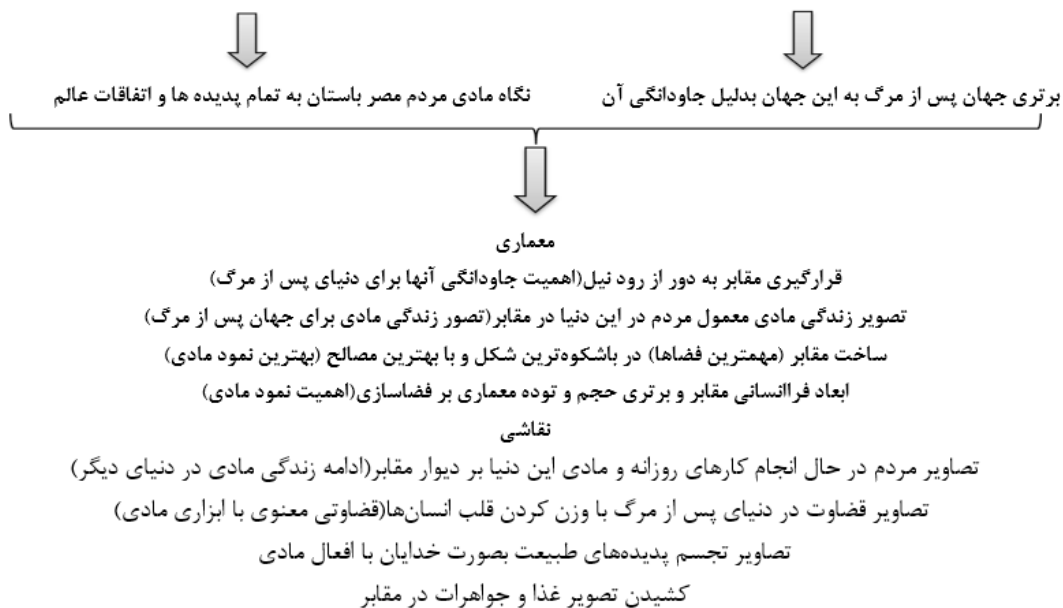
چگونگی تجلی جهان بینی مردم مصر باستان در هنر نقاشی و معماری آن‌ها

با توجه به بررسی‌های انجام شده، دو تفکر بارز در جهان بینی مردم مصر باستان مورد مطالعه قرار گرفت. حال نمود این دو در معماری و سپس نقاشی بررسی می‌شود. از یک سو با توجه به جاودانگی و برتری دنیای دیگر نسبت به این دنیا از دید مصریان باستان، مقابر برای آن‌ها مهمترین بناها بودند که باید جاودان می‌ماندند بنابراین آن‌ها را به دور از رود نیل می‌ساختند. از سوی دیگر با توجه به نگاه مادی آن‌ها به پدیده‌ها، آن‌ها مقابر (مهمترین بناها) را با بهترین نمود مادی یعنی با بهترین مصالح و در بزرگترین ابعاد می‌ساختند و همین مسئله موجب فرم‌گرایی و عظمت‌گرایی در معماری این مقابر شده‌است. درحالی که بناهایی که جهت استفاده

در این دنیا است، شامل کاخ و بناهای دیگر شهر در کنار رود نیل و با مصالح کم دوام ساخته شده‌است و به لحاظ مادی برخلاف مقابر قابل توجه نیست. نگاه مادی مردم مصر باستان به پدیده‌ها در نقاشی‌ها به طرق مختلف ظاهر شده‌است، برای نمونه، کشیدن تصویر مردم در حال انجام کارهای روزانه و مادی این دنیا در مقابر، تصویر قضاوت در دنیای پس از مرگ با وزن کردن قلب انسان‌ها و همچنین تصاویر تجسم پدیده‌های طبیعت بصورت خدایان با افعال مادی است. کشیدن تصویر غذا و جواهرات در مقابر نیز نشان از اعتقاد به جاودانگی دنیای پس از مرگ از نگاه مردم مصر باستان دارد. در نمودار ۱، خلاصه‌ای از مباحث مطرح شده آورده شده‌است.

نمودار ۱. خلاصه مباحث مطرح شده و نتایج آن. مأخذ: نگارنده.

چکیده بررسی ابعاد جهان بینی مصر باستان		ابعاد جهان بینی
ادامه زندگی مادی این دنیا در دنیای پس از مرگ	جاودانگی در دنیای دیگر (پس از مرگ)	مرگ
انجام قضاوت اخروی (معنوی) بصورت قضاوتی مادی		
وزن قلب انسان ها (عامل مادی)؛ معیار خوبی و بدی آنها (معنوی)		
تجسم خدایی با افعال مادی برای تمام پدیده های منظم جهان	خدای کامل و بی نقص ابدی نامیدن اسیریس، خدای دنیای دیگر	دین
تجسم گردش خورشید با زمان نهه برای دنیای روی زمین	تصور زمان در چرخش نهه در این دنیا و زمان جاودانه دجت در دنیای دیگر	زمان
تجسم سکون و ثبات مرگ با زمان دجت برای دنیای زیر زمین		



نتیجه‌گیری

رابطه با نمود این اعتقاد در مفهوم زمان و مرگ، زمان دجت که متعلق به دنیای پس از مرگ است، زمانی ساکن و جاودان است در حالی که زمان نِهه که متعلق به این دنیاست، زمانی در چرخش و حرکت است. آن‌ها معتقد بودند که انسان با زندگی در زمان در گردش نِهه، در این دنیا، کامل می‌شود تا به جهان پس از مرگ منتقل شده و در زمان دجت، جاودان بماند. همین تفکر در دین نیز نمود می‌یابد، چنانکه ازیریس، خدای جهان پس از مرگ را، خدای کامل و بی‌نقص ابدی می‌نامیدند. نمود این دو تفکر در معماری و نقاشی بدین طریق ظاهر می‌شود که با توجه به اعتقاد دوم، مقابر مهمترین بناهای مصر باستان است که بایستی جاودان بماند. همچنین با توجه به اعتقاد اول آن‌ها، مهمترین بناها (مقابر) باید بهترین نمود مادی را داشته‌باشد. به همین دلیل این بناها جسیم و باشکوه بوده و با بهترین و پایدارترین مصالح ساخته شده و از رود نیل فاصله دارند. از سوی دیگر به دلیل بی‌اهمیت بودن و محل گذر بودن این دنیا، کاخ‌ها و شهر، بناهای کم ارزش‌تری محسوب می‌شده و در نتیجه نمود مادی ضعیفی داشته‌است و با توجه به اینکه نیازی به جاودان بودن آن‌ها نبوده‌است آن‌ها را در کنار رود نیل و با مصالح کم دوام ساخته‌اند. نگاه مادی مردم مصر باستان به پدیده‌ها در نقاشی‌ها به طرق مختلف ظاهر شده‌است برای نمونه، کشیدن تصویر مردم در حال انجام کارهای روزانه و مادی این دنیا در مقابر، تصویر قضاوت در دنیای پس از مرگ با وزن کردن قلب انسان‌ها و همچنین تصاویر تجسم پدیده‌های طبیعت بصورت خدایان با افعال مادی است. کشیدن تصویر غذا و جواهرات در مقابر نیز نشان از اعتقاد به جاودانگی دنیای پس از مرگ از نگاه مردم مصر باستان دارد.

با توجه به مطالعات انجام‌شده مشخص شد که در جهان‌بینی مردم مصر باستان دو نکته بارز وجود دارد که در معماری و هنر نقاشی این سرزمین نمود یافته‌است. این موارد به شرح زیر است:
نکته اول، نگاه مادی آن‌ها به این دنیا و دنیای پس از مرگ است. آن‌ها تمام پدیده‌ها و اتفاقات جهان را با رویکردی مادی تعبیر می‌کردند.

نکته دوم، برتری دنیای پس از مرگ نسبت به این دنیا، به دلیل جاودانگی آن است. چنانکه گفته شد آن‌ها زندگی در چرخه این دنیا را برای رسیدن به کمال و جاوانگی در دنیای پس از مرگ می‌دانستند.

نگاه مادی مردم مصر باستان به پدیده‌های جهان را می‌توان از مفاهیم زمان، مرگ و دین از دید آن‌ها دریافت. زندگی پس از مرگ از نگاه آن‌ها، همانطور در نقاشی‌های مقابر تصویر شده‌است، ادامه زندگی مادی در این دنیاست و تمام فعالیت‌های مشابه در این دنیا در دنیای دیگر نیز ادامه می‌یابد. حتی قضاوت در جهان پس از مرگ با وزن کردن قلب انسان و مقایسه وزن آن با وزن یک پر انجام می‌شود. در حقیقت از نگاه آن‌ها بین خوبی انسان‌ها (یک مسئله معنوی) و وزن قلب آن‌ها (یک مسئله مادی) ارتباطی مستقیم برقرار است و قضاوت معنوی جهان پس از مرگ آن‌ها بصورت قضاوتی مادی انجام می‌شود. همچنین آن‌ها برای تمام پدیده‌ها و نیروهای منظم طبیعت، خدایی در نظر می‌گرفتند که مسئول بوجود آمدن آن پدیده است و به خدایان، صورتی مادی می‌دادند که اثر مشخص و مادی قابل لمسی در زندگی آن‌ها داشته‌است. اعتقاد به برتری و جاودانگی دنیای پس از مرگ نسبت به این دنیا نیز در نگاه آن‌ها به زمان، مرگ و دین آشکار است. در

پی‌نوشت

۱. Aswan
۲. Heidelberg University
۳. Neheh
۴. Djet
۵. Ra: the sun god
۶. Osiris
۷. time-centric cosmology
۸. Chaos
۹. cosmotheism
۱۰. Akhenaten
۱۱. Amenophis IV

فهرست منابع

- دورانت، ویل. (۱۳۷۰). تاریخ تمدن. مشرق زمین گاهواره تمدن. ترجمه: آرام، احمد. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- زارعی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۸). آشنایی با معماری جهان. تهران: انتشارات فن آوران.
- گاردنر، هلن. (۱۳۷۰). هنر در گذر زمان. ترجمه: فرامرزی، محمد تقی. تهران: نگاه و آگاه.
- Assmann, J. (2001). *The Search for God in Ancient Egypt*. Trans. David Lorton.
- Assmann, J. (2002). *The Mind of Egypt: History and Meaning in the Time of the Pharaohs*. Trans. Andrew Jenkins.
- Assmann, J. (2008). *Of God and Gods: Egypt, Israel, and the Rise of Monotheism*.
- Holland, G. S. (2009). *Gods in the Desert: Religions of the Ancient Near East*
- Hornung, E. (1982). *Conceptions of God in Ancient Egypt: The One and the Many*. Trans. John Baines.
- Marie, R. & Hagen, R. (1999). *L'egypte*. Taschen publisher.
- Watts, E. B. (1998). *Art of Ancient Egypt: A Resource for Educators*. Metropolitan Museum of Art.
- Wilkinson, R. H. (2003). *The Complete Gods and Goddesses of Ancient Egypt*.
- Wilson, J. A. (1946). *Egypt. In The Intellectual Adventure of Ancient Man: An Essay on Speculative Thought in the Ancient Near East*.